حجت جاودان
مهدی دشتی
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۸ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، پاییز ۱۴۰۴، ص ۹۱-۱۰۳

حجت جاودان

مهدی دشتی[1]

چکیده: در اینکه آیه تطهیر (بخش آخر از آیه ۳۳ سوره احزاب)، دلالتی تام بر عصمت و طهارت پنج‌تن آل‌عبا علیهم‌السلام دارد، جای هیچگونه تردیدی نیست و این موضوعی ثابت شده است.

لکن با بررسی‌های انجام شده نکات دیگری هم حاصل می‌شود که بسیار حائز اهمیت است: اولا: مفعول به فعل یُرید، در تقدیر است و این امری مهم در جهت فهم مدلول آیه است که متأسفانه اغلب نویسندگان بدان بی توجه بوده‌اند.

ثانیا: بنابه فرمایش پیامبر اکرم و ائمه علیهم‌السلام، رجس در این آیه به معنایِ "شکّ" است. شکّ مذکور نه در اهل‌بیت، که در ذهن مردم بوده که می‌پنداشتند چه بسا اهل‌بیت هم مانند دیگران مسبوق به گناه یا سهو و نسیان بوده باشند و یا در آینده مرتکب آن شوند. لذا خدایِ عالم با انزال این آیه شریفه، اِذهابِ این شک از ذهنِ همه شاکّین، نمود.

ثالثا: پیش از نزول آیه تطهیر، هم در قرآن کریم به طور غیر مستقیم و هم در سخن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان طهارت و عصمتِ اهل‌بیت شده بود و مردم با این معنا کاملاً آشنا بودند، لکن با نزول این آیه، در قرآن نیز بدان تصریح و تاکید شد و در نتیجه حجتی جاودان بر این معنا گشت.

کلید واژه‌ها: آیه تطهیر، اهل‌بیت، رجس، شکّ، عصمت.

---

* دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲.

مقدمه

در این نوشتار، قصد آن نیست که درباره آیه تطهیر از جهت چگونگی نزول، و خصائص آن و اثبات آنکه اهل‌بیت در این آیه؛ پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا و حسنین علیهم‌السلام هستند، بحث کنیم که بحمد الله در این‌باره از دیرباز تا کنون کتب و رسالات بسیاری هم از جانب علمایِ مکتب اهل‌بیت و هم بزرگان مکتب خلفا نوشته شده[1] که خوشبختانه نزدیک به تمامی آنها موجود است[2].

بلکه مراد اصلی، توجه دقیق‌تر به قرائن متنی و خارجی است که در فهم مدلول آیه

---

۱. از جمله کتبی که علمای شیعه، مستقلاً در باب آیه تطهیر نوشته‌اند می‌توان بدین آثار اشاره کرد: عسکری، حدیث الکساء فی مدرسه الخلفاء و فی کتب مدرسه اهل البیت؛ عاملی، اهل البیت فی آیه التطهیر؛ ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین؛ الفاضل الاصفهانی، رساله تطهیر التطهیر؛ صافی گلپایگانی، رساله فی تفسیر آیه التطهیر.

و از جمله آثاری که دانشمندان شیعه در بخشی از آنها بدین بحث پرداخته‌اند: میلانی، نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار، ج۲۰؛ شوشتری، احقاق الحق، ج۲؛ شیخ حرّ عاملی، فوائد الطوسیه؛ ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین؛ استر آبادی، علی، تأویل الآیات الظّاهره فی فضائل العتره الطاهره؛ علّامه حلّی، نهج الحق و کشف الصدق؛ شیخ مفید، مناظرات ترجمهٔ آقا جمال خوانساری؛ مجلسی، بحار الانوار، ج۱۱ و ۳۵؛ مجلسی، مرآت العقول، ج۳؛ مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج۸؛ مجلسی، حیات القلوب (ج۵) امام شناسی؛ بحرانی، غایه المرام؛ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج۴؛ عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج۵؛ شرف الدین، الکلمه الغراء فی تفضیل الزّهراء و همهٔ تفاسیر شیعی ذیل آیه التطهیر.

و از جمله آثار درجه اوّل علمای اهل سنت که دربارهٔ این آیه و شناساندن اهل‌بیت بحثِ مفید کرده‌اند: صحیح مسلم ۱۳۰/۷، صحیح ترمذی ۷۵/۱۲؛ مسند احمد بن حنبل ۲۹۲/۶ و ۳۲۲، ۲۵۸/۳؛ مستدرک حاکم نیشابوری ۱۴۷/۳ و ۱۵۸ و ۱۷۲؛ تفسیر طبری ذیل آیه ج۲۲ ص۶ و ۷؛ مسند طیالسی ص۲۷۴، مجمع الزوائد باب فضائل اهل البیت ۱۷۲/۹؛ خصائص نسائی ص۴؛ شواهد التنزیل الحافظ الحاکم الحسکانی ۲/ح ۶۳۷ الی ۷۷۴؛ تفسیر فخر رازی ذیل آیه و تفسیر الدّرّ المنثور سیوطی، ۱۹۸/۵.

و همچنین برای آشنایی با دیگر منابع اهل سنّت در این ارتباط بویژه شبهاتی که کرده‌اند و پاسخهایی که علماء شیعه بدانها داده‌اند← احقاق الحق قاضی نور الله شوشتری با حواشی بس ارزشمند مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی جلد دوم به بعد؛ نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار، السید علی الحسینی المیلانی جلد ۲۰؛ غایه المرام مرحوم علامه شرف الدین.

۲. متأسفانه بعضی از این کتب از میان رفته است مانند کتاب الامامه از مرحوم شیخ طوسی رحمه الله علیه- طوسی، تفسیر التبیان، ج۸ ص۳۴۱.

تطهیر، مدخلیّتی تامّ دارد و تا حدودی نسبت بدان‌ها کم توجهی شده است. این توجه ما را به معنایی از آیه رهنمون می‌شود که خود به خود بسیاری از نتیجه گیری‌ها و نیز شبهات را بی‌وجه می‌نماید.

و اما برای آنکه بحث صورتی منظم داشته باشد. ابتدا پیشینهٔ بحث را بیان می‌داریم سپس به بررسی تفصیلی مباحث می‌پردازیم، امید که مفید افتد و راه گشا باشد.

الف: پیشینهٔ بحث:

نگاهی به پیشینه بحث، نشان می‌دهد که اکثر آنانی که در باب آیه تطهیر بحث نموده‌اند مفعولٌ به فعل یُرید را "اِذهاب" دانسته‌اند[1] این مطلب با عنایت به آنکه لامِ "لِیُذهِبَ" را هم لام تعلیلیّه دانسته‌اند، جای بسی شگفتی دارد. چرا که این لام بر سر مفعولٌ لَه یا به عبارتی مفعولٌ لِاَجلِه می‌آید، در نتیجه "اِذهاب"، مفعولٌ لَه میشود و نه مفعولٌ به[2].

لذا تمامی بحث‌هایی هم که بر این مبنا (مفعولٌ به دانستنِ "اِذهاب") در باب نوع اراده شده است[3] بی وجه می‌گردد.

البته در این میان، بوده‌اند عزیزانی که مفعولٌ بِه یُرید را غیر از "اِذهاب" دانسته‌اند لکن در تشخیص مفعولٌ بِه مقدّر به خطا رفته‌اند[4] چرا که در این صورت با اصل آیه تطهیر که مستقلاً و در شأنِ اهل‌بیت نازل شده است، در تناقض می‌شود.

از سوی دیگر "عن" را هم غالباً به معنایِ "مِن" گرفته‌اند[5] و در نتیجه دچار این مشکل

---

۱. مانند مفید/۵۴؛ مجلسی: ۲۳۳/۳۵؛ طوسی: ۳۴۰/۸؛ ابطحی: ۹/۲؛ طباطبایی: ۴۶۹/۱۶؛ سبزواری نجفی: ۴۲۷/۱؛ طیب: ۵۰۱/۱۰؛ مکارم شیرازی: ۲۳۷/۱۳؛ قرائتی: ۴۶۱/۹.

۲. بعضی این لام را زائده یعنی مفید تأکید دانسته‌اند که بنا به نظر ابن حشام قولی ضعیف است--> المغنی، ۲۸۵/۱.

۳. تکوینیه: سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، ۴۲۷/۱، ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۱۰/۲، طیب، تفسیر اطیب البیان، ۵۰۱/۱۰، مکارم شیرازی، الاَمثَل فی تفسیر کتاب الله المُنزَل، ۲۳۷/۱۳، طباطبایی، المیزان، ۶۴۹/۱۶، قرائتی، تفسیر نور، ۳۶۱/۹. تشریعیه: عاملی، اهل البیت فی آیه التطهیر، ۶۷ و ۷۵ و ۸۵. نه تکوینیه و نه تشریعیه: مغنیه ۵۵۴/۱.

۴. عاملی، اهل البیت فی آیه التطهیر، ۶۷ و ۸۵.

۵. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۵۹/۴.

شده‌اند که رجس را باید از خود اهل‌بیت دور نمایند لذا ناچار بدین مطلب روی آورده‌اند که "اِذهاب" در این آیه به معنای "حذف" یا "دفع" است و نه رفع، که خود مشکلی دیگر است چرا که دقیقاً مغایر است با کلام امام باقر علیه‌السلام که فرمودند: رفع الله عنهم الرجس و هو الشکّ.[1]

و خداوند رحمت کناد دو بزرگواری را که "عن" را در معنایِ مجاوزه دانسته[2] و با عنایت به معنایی که اهل‌بیت از رجس (=شکّ) کرده‌اند، بدرستی بدین راه رفته‌اند که مقصود از اذهاب الرجس از اهل‌بیت، رفعِ شکّی است که در ذهن وخیالِ شاکّین نسبت به پاکی و طهارت اهل‌بیت بوده یا می‌تواند وجود داشته باشد بدین معنی که ایشان هم مانند دیگران، در گذشته مسبوق به گناه یا سهو و نسیان بوده باشند و یا در آینده مرتکب آن شوند.

ب: بررسی تفصیلی:

۱- تفصیل بعضی از نکات ادبی و معنایی

۱-۱. یرید فعل متعدی است و مفعول به می‌خواهد حال یا صریحاً مانند: **یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر**[3]، **منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخره**[4] و یا با اَن ناصبهٔ ظاهر یا مقدّره که به تأویل مصدر می‌رود مانند: **یرید اللهُ الّا یجعلَ لَهم حظّاً فی الآخره**،[5] **و الله یرید ان یتوب علیکم**،[6] **انما یرید الله لیعذّبهم بها فی الحیات الدنیا**[7] که در این آیه شریفه، لام یُعَذِّبهم، لام زائده است که مفید تأکید می‌باشد و مدخولِ آن که به اَن ناصبهٔ مقدّره به تأویلِ مصدر می‌رود، مفعولٌ بِه است به قرینهٔ **انّما یرید الله اَن یعذّبهم بها فی**

---

۱. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۳۳۳/۲.
۲. مرعشی: ۵۷۲/۲ و الفاضل الاصفهانی به نقل از ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۵۳/۲.
۳. بقره/۱۸۵.
۴. آل عمران/۱۵۳.
۵. آل عمران/۱۷۶.
۶. نساء/۲۷.
۷. توبه/۵۵.

الدنیا.[1] واما در آیه تطهیر چنانکه پیش از این گذشت بجز قولی شاذّ، کسی لام لِیُذهِبَ را، لام زائده ندانسته است. در نتیجه مفعولٌ بِه یُرید در تقدیر واقع می‌شود که با اَن ناصبهٔ ظاهریه در تقدیر می‌شود: **اَن یُنَزِّلَ هذهِ الآیه**[2].

۱-۲. و اما اذهاب الرجس نه از اهل‌بیت که از شاکّین است. چراکه بنابر فرمایش امام باقر علیه‌السلام رفعَ اللهُ عنهم الرّجس و هو الشکّ[3]، و رفع یعنی برداشتن چیزی از چیزی که در آن بوده و به عبارت دیگر زایل کردن. اگر اذهاب الرجس را نسبت بخود اهل‌بیت بگیریم این امر مُثبتِ رجس در وجودِ ایشان است و آنان مسبوق به رجس می‌شوند و در نتیجه آیهٔ تطهیر به ضدّ خود بدل می‌شود. پس باید اذهاب رجس را به غیر ایشان منتسب دانست یعنی به آنانی که دربارهٔ ایشان و طهارت و پاکی ایشان دچار شکّند و گمان می‌کنند که آنان هم مانند دیگران مسبوق به گناه یا سهو و نسیانند یا در آینده خواهند شد، و در نتیجه معنای سخن امام باقر علیه‌السلام هم این می‌شود که الله، شکّ دربارهٔ عصمت اهل‌بیت را از ذهن شاکّین برداشت البته اختیاراً و نه اجباراً یا به اصطلاحِ متشرّعه، تشریعاً و نه تکویناً.

۲. حکمت نزول آیه شریفه:

۲-۱. تصدیق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و دفعِ دخلِ مقدّر با تعیین اهل‌بیت

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: پس اگر رسول الله ساکت می‌نشستند و اهل‌بیت خویش را آشکار و واضح معرفی نمی‌نمودند، هر آینه آل فلان و آل فلان ادّعا می‌کردند که ایشانند اهل‌بیت پیامبر ولکن، الله عزّ وجلّ در کتاب خود برای تصدیق پیامبرش آیه تطهیر را نازل کرد. پس علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام اصل معنایِ این آیه‌اند. پس رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله دست علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام را گرفت و ایشان را زیر کسایی در خانهٔ امّ سلمه داخل کرد. سپس فرمود: خدایا برای هر پیامبری اهلی و مایهٔ سنگینی و اعتباری است و

---

۱. بقره/۸۵.

۲. در ارتباط با آیه «یرید الله لیُبیّنَ لکم و یهدیکم سنَنَ الّذی فی قبلکم». نساء/۲۶، نیز به همین گونه است و مفعولٌ بِه مقدّر، عبارتست از «اَن یُنزّلَ هذه الآیات». چراکه از آغاز آیه سوم سورهٔ نساء تا آیه بیست و ششم آیاتی نازل شده که همه مبیِنِ احکام و سُننِ الاهی است.

۳. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۲/۳۳۳

ایشانند اهل‌بیت من و مایهٔ سنگینی و اعتبار من. پس امّ سلمه گفت: آیا من از اهلِ شما نیستم؟ پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: قطعاً شما بر خیرید و لکن اهل و ثقل من ایشانند[۱].

۲-۲. اِخبار و شهادتی الاهیّه باشد در قرآن کریم بر عصمت و طهارت اهل البیت و رفع هر شکّی در این باره تا در دوران پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که ملاک "حسبنا کتاب الله[۲]" می‌شد و حتی پیش از آن بتوان با استناد بدین آیه بر عصمت ایشان، استدلال کرد.

چنانکه امیرالمؤمنین از رسول الله نقل کرده‌اند که فرمودند:... چیست حال و شأن اقوامی که مرا به خاطر خویشاوندانم سرزنش می‌کنند و این در حالی است که بتحقیق از من شنیده‌اند آنچه را که در فضل ایشان و برتری دادنِ الله ایشان را گفته ام و آنچه را که الله ایشان را بدان اختصاص داد از حیث اذهاب الرجس عنهم و تطهیر الله ایاهم. هان آگاه باشید که الله خلقش را آفرید و آنها را به دو گروه کرد و مرا در گروه بهتر از حیث خانواده قرار داد. پس این است سخن الله که فرمود: " انّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرا." پس این آیه در باب اهل‌بیت و عترت من است، من و برادرم علی بن ابیطالب[۳].

و بر همین مبنا بود که امیرالمؤمنین و دیگر ائمه علیهم‌السلام در باب عصمت خویش، همه استدلال به آیه تطهیر می‌کردند و نه روایات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله[۴].

قرائِن مؤیِّدهٔ دیگر

۱. آیات و روایات متضمّن عصمت اهل‌بیت علیهم‌السلام پیش از نزول آیه تطهیر:

پیش از نزول آیه تطهیر که در سال نهم یا دهم هجری بوده است[۵]، آیات و روایات

---

۱. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۷۳/۱

۲. اوّل بار این سخن را خلیفهٔ ثانی عمر بن الخطاب گفت در محضر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله (صحیح بخاری باب کتابت العلم من کتاب العلم، ۲۲/۱ و مسند احمد بن حنبل، تحقیق احمد محمد شاکر، حدیث ۳۹۹۲ و طبقات ابن سعد، ۲۴۴/۲، چاپ بیروت.) پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، خلیفه اوّل نیز شعار مذکور را تکرار کرد و از مردم خواست تا بدان عمل کنند←ترجمه ابی بکر در ذهبی، تذکره الحفّاظ، ۲۲/۱-۲۳.

۳. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۲۶/۱.

۴. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۳۰۸/۱ و ۳۲۱ و ۳۸۹؛ ۳۴۵/۲-۳۵۷.

۵. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۳۰۸/۲-۳۱۱ و عسکری، حدیث الکساء فی کتب مدرسه الخلفاء و فی کتب مدرسه اهل البیت، ص۱۸-۲۰.

بسیاری که متضمّن عصمت اهل‌بیت بوده نازل شده بود که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف: درباره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله:

۱. مَن یُطع الرسول فقد اطاعَ الله.[۱]

یعنی، اگر کسی، اطاعت کند رسول الله را، پس بتحقیق اطاعت کرده است الله را.

با توجه بآنکه آیه به صورت قضیهٔ شرطیّه نازل شده است، آشکار می‌شود که تحقّق اطاعت از الله، مشروط به اطاعت از رسول الله است. حال با این توجه آیا می‌شود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دارای عصمت نباشد و مرتکب گناه یا سهو یا نسیان بشود ولو یکبار و باز اطاعت از چنین شخصی، معنایِ اطاعت از الله باشد؟ مسلماً خیر، بنابراین آیه شریفه دلالت دارد بر عصمت همه جانبهٔ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله.

ب: درباره امیرالمؤمنین و دیگر ائمه علیهم‌السلام:

به تبعیّت از عصمت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، عصمت اوصیاء حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله و در رأس ایشان ابو الائمه، سیّد الوصیّین امیرالمؤمنین نیز ثابت می‌گردد چراکه در غیر این صورت هدایت الاهیّه متوقّف می‌شد و ضلالت جای آن را می‌گرفت و مردمی که پس از پیامبر می‌آمدند بر خدا حجّت می‌یافتند که چون پیامبر خاتَمَت را درک نکردیم و پس از او هم کسی را نگذاشتی که هدایت الاهی را، قرآن فهمی را، اسلام شناسی را بدون هیچ کاستیی ناشی از گناه و سهو و نسیان به ما برساند، پس به گمراهی افتادیم لذا الله تعالی هم در آیات قرآنی باجمال و هم در حدیث رسول الله به تصریح، عصمت این بزرگواران را بیان فرمود:

۱. انّما ولیّکم الله و رسولُه و الّذین آمنوا الّذینَ یقیمون الصلاة و یؤتون الزّکوةَ و هم راکعون[۲].

۲. اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامرِ منکم.[۳]

یعنی، اطاعت کنید الله را و اطاعت کنید رسول الله را و اولی الامر را که از جنس شمایند (یعنی بشرند.)

---

۱. نساء/۸۰.

۲. مائده/۵۵، برای تفصیل بیشتر← شوشتری، احقاق الحق، ۳۹۹/۲-۴۱۵؛ میلانی، نفحات الازهار ۲۰/ ۴۷ به بعد؛ عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۳۳۴/۱-۳۳۵.

۳. نساء/۵۹.

در این آیه شریفه نیز هم‌ردیف آمدن اطاعت از اولی الامر با اطاعت از رسول الله و اطاعت از الله، کاشف آنست که اولی الامر نیز باید معصوم باشند و الّا معنای آیه، امر به تبعیّتِ از متناقضین می‌شود که اوّلاً بر مخلوق قبیح است چه رسد به الله که خالق هستی است و دهنده حکمت[1] و ثانیاً اجرایش برای مخاطب، محال[2].

روایات متضمّن عصمت اهل‌بیت علیهم‌السلام پیش از نزول آیه تطهیر:

۱. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: هذا اخی و ولیّی و ناصری و صفیّی و ذُخری و کهفی و ظهری و ظهیری و وصیّی و زوجُ کریمتی و امینی علی وصیّتی وخلیفتی.

این سخنان را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله زمانی فرمود که امیرالمؤمنین تازه متولد شده بود و حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله ایشان را پرستاری می‌کرد.[3]

۲. یا خدیجه هذا علیٌّ مولاکِ و مولَی المؤمنین و امامهم بعدی.

یعنی، ای خدیجه! این علی، مولای تو و مولای همهٔ مؤمنین و پیشوای ایشان، پس از من است.

و این سخن را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، در وقتی فرمود که حضرت خدیجه را دعوت به اسلام کرد و شرط کرد که با آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله بیعت نماید بر اسلام و بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، که ایشان نیز پذیرفت.[4]

۳. انَّکَ تَسمَعُ ما اَسمَعُ و تری ما اَری الّا انَّکَ لستَ بنبیٍّ ولکنَّکَ وزیرٌ و انّکَ لعلی خیر.

تو می‌شنوی آنچه را که من می‌شنوم و می‌بینی آنچه را که من می‌بینم جز آنکه تو نبی نیستی ولکن وزیر و کمک کار من هستی و هر آینه پیوسته بر خیری (در دنیا و آخرت.)

---

۱. بقره/۲۶۹، برای تفصیل بیشتر← شوشتری، احقاق الحق، ۲۹۳/۲ به بعد و تفاسیر روایی مانند تفسیر نور الثقلین ذیل آیه.

۲. برای تفصیل بیشتر← مجلسی، حیات القلوب (ج۵) امام شناسی ۵۰/۵ و شوشتری، احقاق الحق، ۲۹۳/۲.

۳. اثبات الوصیّه مسعودی به نقل از شوشتری، بهج الصّباغه، ۴ /۱۰۹.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ۱۸ /۲۳۳.

این سخنان را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفتند در غار حراء و به هنگام نزول اولین وحی قرآنی.[۱]

۴. انَّ هذا اَخی و وصیّی و خلیفتی فیکم فاستمعوا لَه و اطیعوا.

همانا قطعاً این شخص (علی علیه‌السلام) برادر من، وصیّ من، جانشین من در میان شماست پس او را بشنوید و اطاعت کنید.

این سخنان را رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله دربارهٔ امیرالمؤمنین در مقابل اجتماعی از مردان بنی عبدالمطّلب در سال سوم از بعثت خویش بیان فرمودند.[۲]

۵. القاب و اوصافی بسیار از پیامبر اکرم دربارهٔ امیرالمؤمنین بیان شده که همگی متضمّن معنای عصمت است: علیٌّ امام المتّقین، علیٌّ یعسوب المؤمنین، علیٌّ سید ولدِ آدم ما خلأ النّبیّین، علیٌّ خلیفه رسول الله فی امّته من بعده، علیٌّ وصیُّ رسول الله، علیٌّ مولی من کانَ رسول الله مولاه، علیٌّ احبُّ الاوصیاء الی الله، علیٌّ ولیُّ الله، علیٌّ ابوالائمّه الطّاهرین، علیٌّ قسیم الجنه والنّار، علیٌّ رایه الهدی و منار الهدی، علیٌّ ولیُّ رسول اللهِ فی الدنیا و الآخره.[۳]

۶. اهداءَ النّبی لفاطمه لوحاً من عند الله فیهِ اسمُ علیٍّ و سائر الاوصیاء من ولدِ فاطمه و فیه: ما نبیٌّ الّا و جعلتُ له وصیّاً و فیه: فضّلتُکَ علی جمیع الانبیا، و وصیَّکَ علی جمیع الاوصیاء و فیه: الحسنُ معدن علمُ الله و فیه: الحسین حجه الله و فیه: بعترت الحسین اثیب و اُعاقبُ و انَّ اوّلهم علیٌّ زین العابدین. هم مع القرآن و القرآن معهم.

۲. روایات مصرّح بر عصمت اهل‌بیت، پیش از نزول آیه تطهیر و معرفی اهل‌بیت علیهم‌السلام پیش از نزول آیه

الف: نمونه ای از تصریحات خصوصی

۱. دعاء پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در شب زفاف امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حضرت زهراء علیهاالسلام، برای

---

۱. نهج البلاغه، ص۳۰۰-۳۰۱ خطبهٔ ۱۹۲.

۲. عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۱۱/۱.

۳. برای آشنایی تفصیلی با منابع این روایات که همه از کتب عامّه است← شوشتری، احقاق الحق، ج۴.

آن دو بزرگوار، اللهمَّ انّهما منّی وَ اَنا منهما اللهمَّ اذهبتَ عنّی الرّجسَ و طهَّرتنی فأَذهِب عنهما الرجسَ و طهّرهما.[۱]

الاهی! همانا این دو از منند و من از آندو. الاهی همچنانکه شکّ دربارهٔ عصمت مرا از ذهنِ شاکّین بردی و مرا نسبتی جز طهارت و پاکی ندادی پس، از این دو تن نیز شکّ را از ذهن شاکّین ببر و نسبت پاکی و عصمت ده مر ایشان را.

ب: نمونه ای از تصریحات عمومی و معرفی اهل‌بیت پیش از نزول آیه تطهیر:

۱. چون آیه شریفه "انّما ولیّکم الله و رسوله و الذین آمنوا الّذین یقیمون الصلوهَ و یؤتون الزکوه و هم راکعون" در شأن امیرالمؤمنین نازل شد.[۲]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در حضور عموم مردم خطبه‌ایرا ایراد کردند که در ضمن آن فرمودند: بدرستی که حال چنین است که بزودی پس از من اقوامی خواهند بود که مرا تکذیب می‌کنند و از ایشان پذیرفته می‌شود و این در حالی است که به الله پناه می‌برم از اینکه جز حقّ را بگویم یا جز به راستی دربارهٔ امر الاهی سخن بگویم و من شما را جز بدانچه الله مرا بدان امر کرده است، امر نمی‌کنم و جز به سوی او (دین او) شما را دعوت نمی‌کنم و بزودی خواهند دانست آنانی که ظلم کردند به کدام جایگاه در خواهند آمد.

در این هنگام عباده بن صامت برخاست و سوالاتی چند کرد از جمله پرسید: اذا کان ذلک فالی من یا رسول الله؟ هنگامی که این حادثه رخ دهد بسوی چه کسی پناه ببریم ای رسول الله؟

حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله در جواب فرمودند: پناه ببرید با شنیدن و پذیرفتن از آنانی که بر همه سبقت گرفته‌اند در ایمان[۳] و از عترتِ من هستند و از میراثِ نبوّتِ من (علم و حکمت الاهیّه) برخوردارند[۴] چراکه ایشان شما را از گمراهی و ضلالت حفظ می‌کنند و بسوی خیر

---

۱. ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۱۱۳/۱ پانوشت (۳).

۲. برای تفصیل بحث و مستندات آن← میلانی، نفحات الازهار، ۲۰ /۹-۷۰.

۳. بیان حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره دارد به آیهٔ «السّابقون السّابقون اولئک المقرّبون» که بنابه روایات و متون درجه اوّل اهل سنت، در شأن امیرالمؤمنین نازل شده است. جهت تفصیل← میلانی، نفحات الازهار، ۲۰/۴۰۷-۴۲۴.

۴. بیان حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره دارد به روایتی که طیّ آن فرمود: ((انا مدینه العلم و علیٌّ بابها...)) که دلالت

دعوت می‌نمایند و ایشانند سزاوارترین افراد به حقّ و معادنِ راستی؛ آنها، کتاب خدا و سنت مرا زنده می‌دارند و شما را از الحاد و بدعت باز می‌دارند.

ایشانند آن کسانی که الله به همه عالم بدانها وصیّت نمود. و خویشاوندانی که الله بدانها در قرآن کریم قسم خورد[1] سپس به محبّت ایشان فرا خواند[2].

ایشانند کسانی که الله، شک و تردید را دربارهٔ ایشان از ذهن همه شاکّین برد و ایشان را از هر رجسی پاک کرد. چون سخن گویند راستگویند و چون سوال کرده شوند دانای به جوابند و هرگاه امانتی بپذیرند حافظان آنند. در ایشان ده خصلت است که فقط در ایشان یعنی **در عترت و اهل‌بیت من** جمع است: حلم، علم، میراث نبوّت، نجابت، بخشندگی، شجاعت، راستی، پاکی، پاکدامنی و داوری.

پس ایشانند همهٔ تقوی و راههای هدایت و بزرگترین حجت الاهی و دستگیرهٔ محکم. ایشانند اولیاء شما بنابر سخن ربّتان و من شما را فقط بر مبنای سخن پروردگارم امر می‌کنم.

هان هر کس که من مولای اویم پس علیّ مولای اوست. خدایا دوست بدار دوستدار علی را و دشمن بدار دشمنِ علی را.

و پروردگار من دربارهٔ علیّ علیه‌السلام سه چیز را وحی کرد: ۱. همانا او سرور همهٔ مسلمانان است ۲. او پیشوای گزیدگان از متّقین است ۳. و او پیشوای سپیدرویان در روز قیامت است.

به تحقیق رساندم از جانب ربّم آنچه را که بدان مأمور شدم. و ایشان را به الله می‌سپارم در میان شما و از او طلب غفران می‌نمایم[3].

دارد بر اعلمیّت امیرالمؤمنین پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر همه و عصمت آن بزرگوار و اینکه ایشان واسطه علوم نبوی و حافظ آنست و نهایتاً دلالت دارد بر وجوب رجوع به امیرالمؤمنین پس از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله. جهت تفصیل ← میلانی، نفحات الازهار، ۱۱ / ۱۵۷-۲۰۰.

۱. نساء/۱.

۲. شوری/۲۳.

۳. میلانی، نفحات الازهار، ۳۵۲/۱۶-۳۵۵. نیز شوشتری، احقاق الحق، ۴۰۱/۲ روایت آمدن عبد الله بن

سخن آخر

صاحب عبقات الانوار در پایان کتاب گرانقدرش چنین نتیجه می‌گیرد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، به روشها و اسالیب گوناگون، امیرالمؤمنین را به عنوان امام پس از خود، معرفی فرمود، گاهی به تصریح، گاهی غیر مستقیم و با ذکر اوصاف مستلزم امامت و وصایت و گاهی هم از طریق تشبیه حضرت علیه‌السلام، به چیزی که مفید این معانی باشد (مانند باب حطّه، هارون نسبت به موسی و...)[1]. و بنده نیز عرض می‌کنم که بحث عصمت و طهارت اهل‌بیت نیز چنانکه بیان گردید به شیوه‌های گوناگون طرح شد تا پیش از نزول آیه تطهیر اذهان کاملاً آماده باشند و آیه تطهیر حجّتی باشد ماندگار برای اهل هدایت تا بدانند که **اولاً** اهل‌بیت تنها این پنج بزرگوارند: (پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا سلام الله علیها و حسنین علیهما‌السلام) و **ثانیاً** در آنچنان جایگاهی از عصمت و طهارتند که جای هیچگونه شکّی برای شاکّین نسبت به عصمت همه جانبهٔ ایشان نیست مگر معاندِ ضلّال که این اِخبار و شهادت الاهیّه را انکار کند.

و آخر دعوانا اَن الحمدُ لله ربِّ العالمین

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابطحی، سید علی موحد. **آیه التطهیر فی احادیث الفریقین**. قم: نشر المؤلف، ط الاولی، ۱۴۰۴ ه.

ابن عقده. **فضائل امیر المومنین** علیه‌السلام. حرز الدین عبد الرزاق محمد حسین. قم: دلیل ما، ۱۴۲۴ ه.ق.

ابن هشام. **مغنی اللّبیب**. حقّقه و علّقه علیه: الدکتور مازن المبارک و محمد علی حمد الله، قم: مکتبه سید الشهداء، ۱۴۰۶ه.

حلّی، علامه حسن بن یوسف. **نهج الحق و کشف الصّدق**. بیروت: دار الکتاب اللبنانی، چ اول، ۱۹۸۲م.

ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد. **تذکرة الحفاظ**. حیدر آباد، ۱۳۷۵ه.

سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. **ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن**. بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چ اوّل، ۱۴۱۹ ه.ق.

شوشتری، قاضی نور الله. **احقاق الحق و ازهاق الباطل**. با حواشی مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.

سلام و تنی چند از قومش (یهود) به نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله. که نشان می‌دهد آیه انّما ولیّکم الله...، قبل از آیه التطهیر نازل شده است.

۱. میلانی، نفحات الازهار، ۳۵۴/۲۰.

شوشتری، محمد تقی. **بهج الصّباغه فی شرح نهج البلاغه**. طهران: مکتبه الصدر، ۱۳۷۹ق.
صبحی صالح. **نهج البلاغه**. قم: هجرت، چ اول، ۱۴۱۴ق.
طباطبایی، سید محمد حسین. **المیزان**. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ پنجم، ۱۳۷۴ش.
طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن. **تفسیر التبیان**. تحقیق و تصحیح احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
--------. **اَمالی**. قم: دار الثقافه، چ اول، ۱۴۱۴ه.ق.
طیّب، سید عبد الحسین. **تفسیر اطیب البیان**. تهران: انتشارات الاسلام، ۱۳۷۸ش.
عاملی، سید جعفر مرتضی. **الصحیح من سیره النبی الاعظم**. بیروت: دار الهادی / دار السیره، ۱۴۱۵ق.
--------. **اهل البیت فی آیه التطهیر**. بیروت: المرکز الاسلامی للدراسات، چ سوم، ۱۴۳۰ق / ۲۰۰۹م.
عسکری، سید مرتضی. **القرآن الکریم و روایات المدرستین**. تهران: شرکت التوحید للنشر، ط الاولی، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
-------. **حدیث الکساء فی کتب مدرسه الخلفاء و فی کتب مدرسه اهل البیت** علیهم‌السلام. طهران: مؤسسه الزهراء علیهاالسلام فرع مؤسسه البعثه، ط الخامسه، ۱۴۳۵ه.ق.
------. **معالم المدرستین**. تهران: المجمع العلمی الاسلامی، ط الاولی، ۱۴۱۲ه.ق.
فیروزآبادی، سید مرتضی حسینی یزدی. **السبعه مِن السلف**. مراجعه و تحقیق: السید مرتضی الرضوی، دار الکتب المصریّه.
--------. **فضائل الخمسه من الصّحاح السته علامه فیروزآبادی**. ترجمهٔ شیخ محمد باقر ساعدی، انتشارات فیروزآبادی، شوال ۱۴۱۵ه / فروردین ۱۳۷۴.
قرائتی، محسن. **تفسیر نور**. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
مجلسی، محمد باقر. **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
-------. **حیات القلوب (ج۵) امام شناسی**. تحقیقِ سید علی امامیان، قم: انتشارات سرور، چ سوم، ۱۳۸۰ش.
مصطفوی، حسن. **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اوّل، ۱۳۶۸ش.
مغنیه، محمد جواد. **تفسیر المبین**. قم: بنیاد بعثت، بی تا.
-------.**تفسیر الکاشف**. تهران: دار الکتاب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان. **مجالس مفید در مناظرات (ترجمه مجالس الفصول المختاره من العیون و المحاسن معروف به المجالس)**. ترجمهٔ آقا جمال الدین محمد بن آقا حسین محقق خوانساری (و: ۱۱۲۵ق) به تصحیح و اهتمام خانبابا مشار، تهران: نوید، چ اول، ۱۳۶۲ش.
--------. **مسائل الصّاغانیه**. قم: کنگره جهانی هزارهٔ شیخ مفید، ۴۱۳ق.
مکارم شیرازی، ناصر. **الاَمثَل فی تفسیر کتاب الله المُنزَل**. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۴۲۱ه.ق.
میلانی، سید علی حسینی. **نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار**. قم: نشر المؤلف، ط الاولی، ۱۴۲۰ق / ۱۳۷۸ش.
هلالی، سلیم بن قیس. **کتاب سلیم بن قیس هلالی**. مصحّح: محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم: الهادی، چ اوّل، ۱۴۰۵ق.